

تأثیر سیاست‌های حمایتی امرای تیموری بر موقعیت بازاریان و اقتصاد شهری

کامبیز امیراسمی، دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان
ابوالحسن فیاض‌انوش، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده‌ی مسئول)*
فریدون اللهیاری، استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

چکیده

تیموریان زندگی شهری را ارج نهادند و برای رونق دادن به اقتصاد شهری کوشیدند. اصلی‌ترین عنصر فعال در حوزه‌ی اقتصاد شهری بازاریان بودند؛ بنابراین نقش و تأثیر حاکمیت تیموریان در دوام و بقای بازار و بازاریان به مسأله‌ای مهم تبدیل می‌شود. نوشتار حاضر درصدد ارزیابی جایگاه و موقعیت بازار و بازاریان در دوره تیموریان و بیان دیدگاه فرمانروایان تیموری نسبت به این بخش مهم جامعه‌ی شهری است و می‌کوشد با اتکاء به داده‌های موجود در منابع و با روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که جایگاه بازاریان تا چه میزان از رفتارها و سیاست‌های تیموریان تأثیر پذیرفته است؟ فرضیه‌ی موردنظر بیان می‌کند که تیموریان به اهمیت و کارکردهای مهم اقتصادی و اجتماعی بازاریان پی برده بودند؛ لذا حمایت از بازار و بازاریان را از نظر اقتصادی و اجتماعی برای حاکمیت خود و بهبود اوضاع جامعه سودمند یافتند. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد، تیموریان جایگاه و اعتبار مناسبی به بازاریان دادند و با حمایت‌های خود زمینه‌ی رونق گرفتن فعالیت‌های اقتصادی ایشان را فراهم نمودند. در نتیجه‌ی این سیاست اقتصاد شهری از وضعیت مطلوبی برخوردار شد.

واژه‌های کلیدی: بازار، بازاریان، پیشه‌وران، تاجران، تیموریان، شهر.

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۵

*E-mail: amir.anush2016@gmail.com

مقدمه

امیر تیمور (م: ۸۰۷ق) در رأس مردمان و سپاه‌یانی که بطور عمده چادر نشین و ایل‌یاتی بودند به سرزمین‌های خارج از ماوراءالنهر هجوم آورده، شهرهای گوناگون را مورد تاخت و تاز قرار داد. اما در حاکمیت او و جانشینانش زندگی کوچ‌رو و چادر نشینی بر زندگی یکجانشینی غلبه نیافت. شهرها در عصر تیموریان نه تنها دوام آوردند، بلکه پاره‌ای از آن‌ها بسیار شکوهمند شدند و مظاهر زندگی یکجانشینی در آن‌ها به قوت خود باقی ماند. در این دوام و بقای زندگی شهری و شکوفا شدن آن، عوامل و عناصر گوناگونی دخیل بودند. بی‌گمان بازار و بازاریان در این زمینه نقش و تأثیری قابل توجه داشتند. اما این بازاریان چه جایگاهی داشتند که توانستند در شکوفایی شهری عصر تیموریان نقش عمده‌ای بر عهده بگیرند. از این‌رو نقش و تأثیر حاکمیت تیموریان در دوام و بقای بازار و بازاریان به عنوان یک مسأله سزاوار پژوهش مطرح می‌شود.

نوشتار حاضر با نگرشی تاریخی در صدد ارزیابی جایگاه و موقعیت بازار و بازاریان در دوره تیموریان است و به جهت روشن شدن این موضوع می‌کوشد آگاهی‌هایی درباره وضعیت بازار، تاجران و پیشه‌وران ارائه نماید. در ضمن سعی در بیان دیدگاه تیموریان راجع به بازار و بازاریان دارد و با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با اتکاء به داده‌های موجود در منابع این پرسش را مورد توجه قرار می‌دهد که جایگاه بازاریان در قلمرو تیموریان تا چه میزان از رفتارها و سیاست‌های حاکمان تیموری تأثیر پذیرفته است؟ این پرسش اصلی متضمن پرسش‌های فرعی ذیل است. با عنایت به اینکه حوزه‌ی اصلی فعالیت بازاریان شهر بود، تیموریان چه نگاهی به شهر و اقتصاد شهری داشتند؟ جایگاه بازار در عصر تیموریان چگونه بود؟ اصلی‌ترین گروه‌های بازاری کدام بودند؟ با توجه به پرسش اصلی پژوهش، فرضیه‌ی موردنظر چنین است که: تیموریان به نقش هر یک از عناصر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر، که می‌توانست در استحکام و یا تزلزل پایه‌های حکومت ایشان مؤثر باشند، آگاهی یافته بودند و به همین دلیل برای هر یک از اقشار و طبقات مهم جامعه، از جمله بازاریان، رفتار و سیاستی مناسب اتخاذ نمودند.

پیشینه تحقیق

اغلب پژوهشگران مطالعات تیموری از پرداختن به مبحث بازاریان و دیدگاه تیموریان نسبت به آن‌ها غفلت ورزیده‌اند. با این وجود در برخی مقالات منتشره، به جنبه‌هایی از وضعیت اقتصادی این دوره دوره پرداخته شده است، از جمله؛ رفیعی (۱۳۸۶: ۶۱-۸۴) ضمن بررسی وضعیت کشاورزی و احیای

زندگی شهری در خراسان بدون تمرکز بر موضوع بازار و بازاریان به وضعیت تجارت و موقعیت اصناف در عصر تیموریان اشاره‌ای کوتاه دارد. نوین و معصومی نیارق (۱۳۸۹: ۲۱۹-۲۴۲) ضمن برشمردن دستگاه‌ها و مناصب مرتبط با امور اقتصادی، انواع منابع درآمد حکومت تیموریان را معرفی نموده و به صورت کلی اشاره‌ای به وضعیت اقتصادی عصر تیموریان دارد. رحمتی و یوسفوند (۱۳۹۲: ۷۹-۹۵) به حیات اقتصادی خراسان در عهد سلطان حسین بایقرا پرداخته‌اند و اشاره‌ای کوتاه به وضعیت بازاریان فقط در دوره‌ی این فرمانروا دارند. رحمتی (۱۳۹۴: ۷۳-۹۲) با بررسی عوامل مؤثر بر حیات اقتصادی خراسان، اقدامات اصلاحی سلطان ابوسعید را تبیین نموده، اما به وضعیت بازاریان در عصر تیموری نپرداخته است؛ هرچند به وضعیت بازرگانی در دوره‌ی سلطان ابوسعید اشاره دارد. سمائی دستجردی، الهیاری و فروغی‌ابری (۱۳۹۵: ۸۱-۱۰۶) صرفاً جایگاه اجتماعی هنرمندان و صنعتگران را مورد بررسی قرار داده‌اند و بازار و بازاریان را مورد توجه قرار نداده‌اند. فرحناکی (۱۳۹۶: ۶۷-۸۲) نیز صرفاً به بیان وضعیت صنعت و انواع صنایع و معرفی تولیدات و صنایع رایج در خراسان و ماوراءالنهر پرداخته است. با اینکه پژوهش‌های فوق، ابعاد و جنبه‌های گوناگونی از اوضاع اقتصادی عصر تیموری را بررسی می‌کنند، اما بازار و بازاریان و دیدگاه تیموریان را نسبت به آنها بررسی نکرده‌اند. بنابراین، پژوهش حاضر اهمیت و ضرورت می‌یابد، زیرا ضمن بیان نگاه تیموریان به بازاریان، با پرداختن به موقعیت و جایگاه بازار و بازاریان، گوشه‌هایی از ساختار اقتصادی و اجتماعی عصر تیموریان را روشن می‌سازد.

۱- توجه تیموریان به شهر و اقتصاد شهری

تیموریان اهمیت اجتماعی، اقتصادی شهرها را درک کرده بودند. آنها می‌دانستند که شهرهای آباد و پررونق منبع ارزشمند کسب درآمد برای حکومت است. علاوه بر این آنها فهمیده بودند که شهرهای مهم و بزرگ ابزار نظارت و اداره‌ی یک ناحیه به شمار می‌آیند، از اینرو شهرها برای آنها اهمیت سیاسی و نظامی هم داشتند. برای حفظ سلطه بر یک ناحیه چگونگی نحوه‌ی برخورد با شهرنشینان برای حکمرانان تیموری حائز اهمیت می‌شد. با این اوصاف شهر و اقتصاد شهری مورد توجه امیران و کارگزاران حکومت تیموری قرار گرفت. داده‌های تاریخی دوره‌ی تیموریان بیان می‌کنند، شهرهایی که از مرکزیت سیاسی برخوردار بودند بستر مناسب‌تری برای اقتصاد شهری و فعالیت‌های بازاریان فراهم کردند. منابع از رونق بازارهای سمرقند و هرات سخن می‌گویند (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۸۹-۲۹۲). بازار هرات در زمان شاهرخ احیاء شده و بسیار رونق گرفت (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۰: ۱۲-۱۳). زمچی اسفزاری نیز

از تبدیل شدن هرات به کانون فعالیت صنعتگران در زمان سلطان حسین بایقرا گزارش می‌دهد (زمچی-اسفزاری، ۱۳۳۸: ۴۰/۲).

امیر تیمور (م: ۸۰۷ ق) با اهمیت و کارکردهای شهر آشنا بود (شامی، ۱۳۶۳: ۳۵). یزدی معتقد است مناطقی که توسط امیر تیمور فتح شدند از روزگار سابق آبادان‌تر و ایمن‌تر شدند (یزدی، ۱۳۸۷: ۲۲۱/۱). تزو کات هم علاقه‌ی امیر تیمور به آباد کردن شهرها را تأیید می‌کند (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۳۷۰). کوشش در جهت آبادانی و شکوفایی اقتصادی و فرهنگی سمرقند نشانه‌ی اهمیت قائل شدن امیر تیمور برای شهر و اقتصاد شهری است. علاقه‌ی امیر تیمور به آباد کردن سمرقند سمرشقی شد برای بستگان وی که در شهرها به اقدامات عمرانی مبادرت ورزیدند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۴-۱۶۶). در دوره‌ی جانشینان امیر تیمور به شهر و اقتصاد شهری توجه بیشتری شد.

جانشینان امیر تیمور که از فرهنگی شهری برخوردار بودند با ایجاد آرامش نسبی در برهه‌هایی از عصر تیموریان زمینه‌ی مناسب برای رشد و ترقی اقتصادی شهرها را فراهم نمودند. برای نمونه بنا بر تأیید منابع، دوره‌ی حکومت شاهرخ (م: ۸۵۰ ق) عصر شکوفایی اقتصادی و ثبات سیاسی بوده است (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۷۱/۲). حمایت شاهرخ از کشاورزی به عنوان بنیان اصلی اقتصاد جامعه موجبات شکوفایی این فعالیت اقتصادی را فراهم آورد (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۰: ۳۰-۶۷). در زمان شاهرخ شهرهای بسیاری آباد شده از نظر اقتصادی شکوفا شدند (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۰: ۳۵ و ۳۸-۳۹؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۳۳۷/۱-۳۳۹؛ روملو، ۱۳۸۴: ۱/۴۲۰). گزارش‌های خواندمیر نشان می‌دهد که امرا و بستگان شاهرخ در آباد کردن شهرها پر تلاش بودند (خواندمیر ۱۳۷۲: ۱۶۶-۱۶۹). کوشش شاهرخ در آباد کردن هرات برای طبقات گوناگون مردم سمرشقی شد و هر کسی در حد بضاعت خود در راه آبادانی هرات اقدام نمود (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۰: ۱۳-۱۴). کوشش‌های شاهرخ و بستگانش هرات را به شهری آباد و شکوفا از نظر اقتصادی تبدیل نمود. این موضوع بیانگر توجه و اهمیت امیران و کارگزاران تیموری نسبت به شهر و اقتصاد شهری است. منابع تاریخی این مسأله را مورد تأیید قرار می‌دهند (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۰: ۱۱-۱۳؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۱/۱۶ و ۳۹۰-۵۷۸-۵۸۰؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۶۷۳/۶؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۳۲/۳-۱۳۵ و ۲۱۲).

الغ بیگ (م: ۸۵۳) و سلطان ابوسعید (م: ۸۷۳) نیز به عمران و توسعه‌ی شهرها بی‌توجه نبودند (نظامی باخرزی، ۱۳۷۱: ۱۴۷؛ خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۰-۱۷۱؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۳۸۳/۴). به سبب امنیت و آرامشی که در دوران حکومت سلطان ابوسعید برقرار شده بود، قیمت‌ها کاهش یافت و نیازمندی‌های مردم به قیمت ارزان در اختیار آنها قرار می‌گرفت (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۹۸۱/۴). سلطان ابوسعید نیز از

جمله فرمانروایان تیموری بود که به شهر و اقتصاد شهری اهمیت می‌داد. گاهی اوقات امیران تیموری با اقدامات اصلاحی خود در حوزه‌ی مسائل اقتصادی به بهبود شرایط اقتصادی و وضعیت فعالان اقتصادی یاری می‌رساندند. برای نمونه سلطان ابوسعید که سیاست‌های حمایتی در ارتباط با فعالان اقتصادی را اتخاذ کرده بود، برای جلوگیری از تعدیات کارگزاران حکومتی نسبت به مردم و فعالان اقتصادی با صدور فرامینی آنها را از تعدی به مردم بازداشت و حتی برای نافرمانی از این دستورات مجازات سخت در نظر گرفت (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۴/۸۷۵-۸۷۶).

مورخان، دوره‌ی سلطنت سلطان حسین بایقرا (م: ۹۱۱ ق) را عصر رونق و شکوفایی خراسان به شمار آورده‌اند. منابع تأکید دارند آبادانی که در زمان سلطان حسین بایقرا در خراسان و به ویژه در هرات واقع شده در زمان هیچ فرمانروایی صورت نگرفته است (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۳-۱۷۹؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۷/۵۶۴۸). اقتصاد شهری و فعالیت اهل بازار در این روزگار در هرات بسیار رونق گرفته بود و اهل حرفه و صنعت از هر دسته در این شهر به فعالیت مشغول بودند (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱/۲۳-۲۴). خواندمیر فهرست مفصلی از ابنیه و مؤسسات فراوان هرات در زمان سلطان حسین بایقرا ارائه می‌دهد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۸۵-۲۰۰). این فهرست به خوبی علاقه‌ی فرمانروای تیموری و کارگزاران حکومتش به شهر و اقتصاد شهری را نشان می‌دهد. عنایت به شهر و اقتصاد شهری اختصاص به امیران تیموری نداشت. برخی از کارگزاران حکومتی نیز در شهرها در این عرصه اهتمام داشتند (جعفری، ۱۳۴۳: ۶۴-۶۵؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۷/۶۳۱۹؛ سمرقندی، ۱۳۸۲: ۵۰۵-۵۰۶؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۹۰-۹۲). اشراف و بزرگان محلی نیز با احداث بناهایی نظیر دکان، بازار و کاروان‌سرا به آبادانی شهرها و بهبود اوضاع اقتصاد شهری و رونق فعالیت بازاریان یاری می‌رساندند. اشراف یزد نمونه‌ی برجسته‌ای در این زمینه بودند (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱/۱۷۹-۱۸۷؛ جعفری، ۱۳۴۳: ۸۰-۱۱۰؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۱۰۴).

بر پایه آنچه آمد، علاقه و عنایت تیموریان به شهر و اقتصاد شهری شرایط مساعدی جهت رونق دادن به فعالیت‌های بازاریان و شکوفا شدن بازارهای شهرهای مهم قلمرو تیموریان را فراهم کرد. شکوفایی و ترقی شهرهایی مانند سمرقند، هرات و یزد دلیلی است بر ترقی اقتصاد شهری و رونق فعالیت‌های بازاریان. رونق اقتصادی هرات در زمان سلطان حسین بایقرا به گونه‌ای بود که انواع کالاها در آنجا تولید می‌شد و علاوه بر بازار اصلی شهر از بیرون دروازه‌های شهر تا انتهای سوادشهر که قریب یک فرسنگ بود بازارهایی وجود داشت (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱/۲۳-۲۴ و ۷۸). مشهد و شیراز در نتیجه‌ی عنایت تیموریان از نظر اجتماعی و اقتصادی شکوفا شدند (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۰: ۶۲-۶۳؛ واله

اصفهانی قزوینی، ۱۳۷۹: ۵۲۲-۵۲۳). بنابر تصریح منابع، یزد در زمان شاهرخ درخشان‌ترین دوره‌ی خود را سپری می‌کرد و مردم از رفاه برخوردار بودند (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۸-۲۰؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۸ و ۱۷۴). شهرهای مهم قلمرو تیموریان معمولاً پر جمعیت بودند. سمرقند در زمان امیر تیمور بیش از صد و پنجاه هزار نفر جمعیت داشت (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۹۱). هرات نیز در زمان شاهرخ جمعیت چندصد هزار نفری داشت (زمچی‌اسفرازی، ۱۳۳۸: ۹۴/۲). این جمعیت فراوان بی‌گمان بر یک اقتصاد شهری رشد یافته و قوی متکی بود که بازاریان در آن نقش عمده‌ای داشتند. از اینرو می‌توان اهمیت و جایگاه مهم و تأثیرگذار بازار و بازاریان در جامعه‌ی عصر تیموری را استنباط نمود.

۲- بازار و اهمیت آن در دوره‌ی تیموریان

بازار به دلیل کارکردهای اقتصادی و غیراقتصادی در حیات شهرهای ایران اهمیت فراوان داشت. بازار از عناصر اصلی ساختار کالبدی شهرها به شمار می‌آمد. گرچه اصلی‌ترین کارکرد بازار، کارکرد اقتصادی بود اما بازار کارکردهای اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و آموزشی نیز داشت. بدین سبب بازار بر زندگی اجتماعی شهر تأثیرگذار بود. رونق و توسعه‌ی بازار اثرگذاری کارکردهای گوناگون آن بر جامعه را افزایش می‌داد. بازار در شهرهای مهم قلمرو تیموریان از جایگاه و موقعیت ممتازی برخوردار شده بود. فضایی که در آن کالاهایی برای فروش یا تولید و فروش عرضه می‌شد و محل تجمع و اغلب مسیری ارتباطی نیز بود بازار خوانده می‌شد (کیانی، ۱۳۶۶: ۳۸۳/۲). بازار به طور معمول از یک دروازه شروع می‌شد و تا مرکز شهر ادامه می‌یافت (سلطانزاده، ۱۳۸۳: ۹). در هرات عصر تیموریان چهار بازار از چهار دروازه‌ی شهر تا مرکز شهر امتداد یافته بود و در آنجا توسط چهار سوی بزرگی به هم متصل می‌شدند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۳۲/۳). نقطه‌ی مرکزی شهر که تمامی ساکنان آن را به هم پیوند می‌داد بازار بود. بازار بین مراکز مهم مذهبی، اقتصادی و سیاسی پیوندی فضایی ایجاد می‌کرد. در بازار همپیشگان در یک راسته یا در یک بازار مستقل گرد می‌آمدند.

فرمانروایان تیموری به مقوله‌ی اقتصاد شهری و رشد شهرها اهمیت داده به این موضوع توجه و علاقه نشان می‌دادند. ایشان زمینه‌ها و شرایط مناسب برای بهبود وضعیت شهرها را فراهم کردند. بدین سبب بازار به عنوان رکن اصلی اقتصاد شهری، جایگاه و موقعیت قابل توجهی در شهرهای مهم قلمرو تیموریان به دست آورد. داد و ستد و خرید و فروش در شهرهای مهم قلمرو تیموریان مانند سمرقند بسیار پر رونق بود (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۲۴). در قرن نهم هجری خرید و فروش به عنوان یک ضرورت

حتی در اردوی سلاطین با بر پا کردن اردو بازار برقرار بود (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۱۴۴). اهمیت خرید و فروش و چگونگی کسب حلال به اندازه‌ای بود که برای آن آدابی ویژه در نظر گرفته شده بود. در کتاب فتوت نامه‌ی سلطانی به تفصیل این آداب بیان شده است (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۶۰-۲۶۲). در قرن نهم بازار به عنوان یک ویژگی اصلی، جزء جدا نشدنی شهرها بود (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۱۳۸-۱۳۹). برخی شهرهای قلمرو تیموریان بازارهای شکوفا و پررونقی داشتند. در زمان امیرتیمور در بازار تبریز تعداد فراوانی بازرگان و مقادیر بسیاری کالا وجود داشت (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۱۶۰-۱۶۰-۱۶۱). هرات در زمان شاهرخ پنج دروازه داشت، به غیر از یک دروازه، چهار دروازه‌ی دیگر به بازار متصل می‌شدند (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۰: ۱۴). رونق و شکوفایی بازار در قلمرو تیموریان حتی در اواخر حکمرانی ایشان به چشم می‌خورد. رونق اقتصادی بازار هرات در زمان سلطان حسین بایقرا به گونه‌ای بود که علاوه بر بازار اصلی داخل شهر که هر یک از تیم‌های آن به اندازه یک بازار بود، بیرون دروازه‌های شهر نیز بازارهای گوناگون وجود داشت. همچنین در سر هر کوی و محله بازارچه‌ای بود (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۷۸/۱). علاوه بر بازارهای موجود در هرات در توابع آن مانند زیارتگاه دو هزار دکان وجود داشت (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۸۲/۱-۸۳). یکی دیگر از توابع هرات لنگر امیر غیاث الدین بود که بازاری با دو چهارسو و سیصد باب دکان داشت و هر سال مبلغ پنجاه هزار کپکی حاصل بازار آنجا بود (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۳۶/۱).

وجود بازارهای متعدد و پررونق در شهرهای مهم قلمرو تیموریان بیانگر رشد و ترقی اقتصاد شهری در آن روزگار است. این رشد و ترقی بدون فراهم آمدن شرایط و مقدمات لازم نظیر برقراری امنیت، انباشت ثروت، افزایش سطح زندگی مردم و حمایت‌ها و تشویق‌های حکومتگران امکان‌پذیر نبود. فرمانروایان تیموری در هنگام ثبات و آرامش در راه برطرف کردن مشکلات و موانع رشد و ترقی اقتصادی از قبیل آشفتگی‌ها و منازعات سیاسی، فقدان امنیت، سنگینی مالیات‌ها، نحوه‌ی برخورد کارگزاران حکومتی با مردم و نبود زیرساخت‌های مناسب تلاش می‌کردند. برای نمونه سلطان ابوسعید با ساخت بناهایی همچون پل، رباط، بازار و ایجاد کاریز و نظارت بر نظام آبیاری کوشید تا حمایتی همه جانبه از اقتصاد خراسان به عمل آورد (رحمتی، ۱۳۹۴: ۸۳).

تیموریان به اهمیت اقتصاد شهری و رکن اساسی آن یعنی بازار و بازاریان پی برده بودند. آنها می‌دانستند که بازار نقش مهمی در ترقی و شکوفایی شهرها دارد به همین سبب در زمینه‌ی احداث و مرمت بازارها کوشا بودند. به فرمان امیرتیمور بازاری با دکان‌های فراوان در سمرقند ساخته شد (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۸۱-۲۸۲). شاهرخ دستور داد بازارهای هرات را که سرپوشیده نبودند مسقف نمودند

و چهار سویی برای بازار در نظر گرفته شد (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۰: ۱۱-۱۳؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۲۷۳/۶؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۳۲/۳). ملکت آغا همسر شاهرخ در هرات دکان‌های متعدد ساخت (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۷). عمال و کارگزاران حکومت تیموری نیز در زمینه‌ی ساخت، مرمت و رونق دادن به بازارها فعال بودند. نمونه‌ی آنها امیر چقماق بود که در یزد کاروان‌سراها و دکان‌های متعدد بنیان نهاد (جعفری، ۱۳۴۳: ۵۸ و ۸۱-۸۲؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۹۱ و ۱۰۴). بازار و موقعیت مکانی آن برای تیموریان اهمیت داشت، به همین دلیل الغ بیگ مدرسه‌ی خود را در جوار بازار سمرقند بنا کرد (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۷۴۳/۲؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲۸۹/۳-۲۹۰).

اهمیت بازار برای برخی از فرمانروایان تیموری به گونه‌ای بود که آنها برای حفظ جایگاه، موقعیت و کارکرد بهینه‌ی آن کوشش می‌کردند. برای نمونه در سال ۸۰۹ هجری در خراسان نرخ غله بسیار افزایش یافت. شاهرخ فرمان داد از انبارهای سلطانی به یک سوم قیمت رایج غله به مردم بفروشند (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۱۴۱/۱). بازار به عنوان یکی از تأمین کنندگان اصلی درآمد، مورد توجه حکومت تیموریان بود و تأمین امنیت آن از وظایف حکومت شمرده می‌شد. برقراری امنیت به عنوان بستر اصلی رشد و شکوفایی فعالیت‌های اقتصادی مورد توجه امیر تیمور بود (شامی، ۱۳۶۳: ۹۸-۹۹؛ واله اصفهانی قزوینی، ۱۳۷۹: ۱۸۶). جانشینان او نیز غالباً در این راه کوشش می‌کردند (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۱۲/۲ و ۳۷۴-۳۷۵). با این حال در مقاطعی هرج و مرج و کشمکش‌های سیاسی موجب ناآرامی و تضعیف امنیت می‌شد. پیش آمدن چنین اوضاعی موجب وحشت فراوان بازاریان بود (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۵۷۱/۳). بازار در این اوضاع و احوال دچار آسیب‌های جدی شده در مواردی فشارها و تعدیات مالی سنگینی بر بازار و بازاریان تحمیل می‌شد (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۶۶/۱؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۸۱۰/۴؛ جعفری، ۱۳۹۳: ۶۲-۶۳ و ۶۵-۶۶). به هر حال جایگاه و موقعیت قابل توجه بازار در عصر تیموریان نشانه‌ی اهمیت یافتن اقتصاد شهری و در کنار آن ارتقاء زندگی شهری است. رونق و اهمیت و اعتبار یافتن بازار در بهبود سطح زندگی بخش عمده‌ای از شهرنشینان که تحت عنوان بازاری در بازارها به فعالیت مشغول بودند مؤثر واقع شد.

۳- بازاریان

با تقسیم فعالیت‌های اقتصادی در دو بخش تولید و تجارت، می‌توان اهل بازار را به دو دسته‌ی تجار و پیشه‌وران تقسیم کرد. تجار کسانی بودند که به تجارت برون شهری مشغول بودند. پیشه‌وران

هم کسانی بودند که به تولید کالا و فروش آن می پرداختند. تجار بزرگ و کدخدایان اصناف، بازار را رهبری می کردند. پیشه‌وران، استادکاران ماهر و کسبه لایه میانی و شاگردان، پادوها و دست فروش‌ها لایه‌های پایینی رده‌بندی بازار را تشکیل می دادند (اشرف و بنوعزیزی، ۱۳۹۳: ۳۹). در یک برآورد کلی به مانند سایر دوره‌های تاریخی همه نوع سطح معیشتی در بین بازاریان عصر تیموری دیده می شد. برخی از آنها یعنی تاجران از خانواده‌های اعیان و اشراف شهری بودند. برخی نیز که معمولاً کسبه و پیشه‌وران بودند از سطح زندگی عادی برخوردار بودند. بازاریان به عنوان اصلی‌ترین عناصر اقتصاد شهری که علاوه بر کارکرد اقتصادی در حوزه‌های اجتماعی، فکری و سیاسی نیز در جامعه‌ی شهری اثرگذار بودند، در نظر تیموریان جایگاه و موقعیت قابل‌اعتنایی داشتند. داده‌های برخی منابع نشان می‌دهد که بعضی حکام تیموری در شهرهای تحت اداره‌ی خود در جهت رفع مشکلات مردم و بهبود دادن به اوضاع اجتماعی و اقتصادی شهر کوشا بودند (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۷۱/۲؛ شامی، ۱۳۶۳: ۱۴۵ و ۱۴۹). بنابراین می‌توان استنباط نمود که ایشان پذیرفته بودند، رابطه دوستانه‌ی حکومتگران با شهرنشینان به بهبود حیات اجتماعی شهرها می‌انجامید زیرا موجب برقراری امنیت و آرامش می‌شد و زمینه‌ساز رونق و شکوفایی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه بود. با اتکاء بر این برداشت می‌توان پذیرفت که تیموریان تمایل داشتند با بازاریان به عنوان یک بخش مهم اقتصادی و اجتماعی جامعه رابطه دوستانه برقرار کنند.

۳-۱ تاجران

در جامعه‌ی ایران عصر اسلامی تاجران که در رأس هرم قدرت و منزلت و ثروت بازار جای داشتند به همراه علمای روحانی و عمال دیوانی از اعیان شهر به شمار می‌آمدند (اشرف، ۱۳۵۹: ۲۶؛ لمبتن، ۱۳۹۲: ۳۵۶). تأسیسات اقتصادی شهرها عمدتاً در بازار قرار گرفته بود و تاجران نیز در بازار فعالیت می‌کردند. تاجران با تأمین نمودن نیازهای اقتصادی مردم و فراهم آوردن زمینه‌ی فروش کالاها و محصولات ایشان بر زندگی روزمره‌ی آنها تأثیرگذار بودند. دوانی در قرن نهم هجری جامعه را به چهار صنف اهل علم، اهل شمشیر، اهل زراعت و اهل معامله تقسیم می‌کند که اهل معامله شامل تجار و اصحاب بضاعت و ارباب حرف و صناعات بود (دوانی، ۱۳۹۳: ۲۵۷-۲۵۸). فرهنگ اسلامی از تجار انتظار انتظار داشت که ویژگی‌هایی نظیر تقوی، انصاف، راستگویی و امانت‌داری داشته باشد و از ثروت خویش صرف اوقاف و امور خیریه کند و کسب خویش را از مال حرام محفوظ دارد (نجم رازی، ۱۳۸۹: ۵۲۵-).

۵۲۷ و ۵۳۸-۵۳۹). با این حال در کار بعضی از آنها خدعه و نیرنگ دیده می‌شد. جامی اشاراتی به این موضوع دارد (جامی، ۱۳۷۵: ۶۲). یکی از مشخصه‌های خاص تجار از قرن هشتم هجری به بعد ارتباط تنگاتنگ آنان با مالکان عمده بود. درآمد مالکان آنان را قادر می‌ساخت تا در انواع فعالیت‌های بازرگانی شرکت جویند (رفیعی، ۱۳۸۶: ۸۰). بنابراین بعید نیست که تجار با تجاری کردن مازاد تولید روستایی و در نتیجه انباشت سرمایه‌ی ناشی از ارزش افزوده آنها در شهرها موجب تقویت بدنه اقتصادی شهرها شده باشند.

به سبب اهمیت و اعتبار اجتماعی تاجران، آنان علاوه بر کارکرد اقتصادی در حوزه‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی نیز تأثیرگذار بودند. در طول عصر اسلامی آنها معمولاً در امور خیریه و مسأله وقف مشارکت داشتند (نجم رازی، ۱۳۸۹: ۵۲۵-۵۲۷). گاهی اوقات به سبب آنکه سرزمین‌های دیگر را می‌شناختند به عنوان سفیر مورد استفاده قرار می‌گرفتند (نوابی، ۱۳۷۰: ۱۷۹-۱۸۱). برخی تجار اقدامات عمرانی انجام می‌دادند و بر امکانات و رفاه شهر خویش می‌افزودند. منابع تاریخ یزد به مواردی از این دست اشاره دارند (جعفری، ۱۳۴۳: ۶۰-۶۱؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۸۷-۸۸ و ۱۰۷-۱۰۹ و ۱۹۸). در مواردی تجار با پیشکش کردن ثروت خود به مهاجمان سعی می‌کردند شهر خود را از گزند و صدمه در امان نگه دارند (ابن عربشاه، ۱۳۷۳: ۲۳ و ۱۵۷-۱۵۸). تاجران در کنار دیگر بزرگان معمولاً در تعیین سرنوشت شهرها نقش تأثیرگذاری داشتند. بنابر داده‌های تاریخی آنها در جریان درگیری‌های سیاسی و نظامی معمولاً تلاش می‌کردند شهرها را از آسیب و صدمه دور نگه دارند (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۸: ۲۷۹/۲؛ والله اصفهانی قزوینی، ۱۳۷۹: ۶۰۱؛ فرخی، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

آنچه که جایگاه تاجران در جامعه را افزایش می‌داد اهمیت تجارت در عصر تیموریان است. تجارت در قرن نهم هجری شغل و فعالیتی مهم و معتبر بود (شجاع، ۲۵۳۵: ۱۱۸). راه‌های مهم بازرگانی از قلمرو تیموریان عبور می‌کرد از اینرو برخی شهرهای قلمرو تیموریان نظیر سمرقند، هرات و شیراز اهمیت تجاری یافتند. شهری مانند هرمز که از سال ۷۹۵ هجری تابعیت از حکومت تیموریان را پذیرفته بود (نطنزی، ۱۳۸۳: ۲۳) در زمان شاهرخ یک مرکز تجاری عمده‌ی منطقه‌ای بود (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۵۱۳/۳-۵۱۴). شهرها عمده‌ترین مکان تجارت بودند و رشد تجارت با رشد شهرنشینی ارتباط مستقیم داشت. اهمیت دادن تیموریان به تجارت موجب شد که تاجران در نزد آنها و در سطح جامعه از جایگاه ارزنده‌تری برخوردار شوند.

در ایران دوره‌ی اسلامی تجارت در کنار کشاورزی مهم‌ترین بخش اقتصاد شد (وطن‌خواه، ۱۳۸۰: ۸۰). در اندیشه‌ی سیاسی عصر تیموری یکی از وظایف سلطان، آباد کردن خزانه بود (دوانی، ۱۳۹۳:

۲۶۶). تیموریان پی برده بودند که برای بهبود اوضاع اقتصادی لازم است تجارت را توسعه دهند. امیرتیمور تجارت را برای غنی کردن خزانه‌ی سلطنتی ضروری می‌دانست. او در سال ۸۰۵ هجری در نامه‌ی خود به شارل ششم پادشاه فرانسه تأکید می‌کند که دنیا به بازرگانان آباد است (نوایی، ۱۳۷۰: ۱۲۸). بنابر داده‌های تاریخی امیرتیمور حتی پیش از رسیدن به قدرت و حکومت اهمیت و جایگاه مهم تاجران را درک کرده بود (واله اصفهانی قزوینی، ۱۳۷۹: ۷۴). از نشانه‌های توجه امیرتیمور به گسترش تجارت، احداث بازار در سمرقند بود (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۸۱-۲۸۲). کلاویخو معتقد است امیرتیمور از تجارت حمایت می‌نمود تا بدین وسیله پایتخت خویش را به شهری مهم تبدیل کند (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۹۰). امیرتیمور نگاه تحسین‌آمیزی به تجارت داشت و معتقد بود که آبادانی عالم از اهل تجارت است و تجار بدون دغدغه باید بتوانند میان سرزمین‌ها رفت و آمد کنند (شامی، ۱۳۶۳: ۲۲۱-۲۲۲؛ واله اصفهانی قزوینی، ۱۳۷۹: ۱۹۸؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۱/۶: ۴۸۰). امیرتیمور استفاده از پول و نظام پولی را گسترش داد. این مسأله به گسترش تجارت داخلی و خارجی کمک کرد (توختییف، ۱۳۷۷: ۲۸). در زمان امیرتیمور شهرهایی مانند سلطانیه و سمرقند از نظر تجاری بسیار مهم بودند (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۱۶۶-۱۶۸ و ۲۹۱-۲۹۲؛ بوا، ۱۳۸۹: ۶۴).

سیاست حمایت از تجار در زمان شاهرخ نیز ادامه یافت. او اعتقاد داشت که رونق تجارت و رفت و آمد تجار باعث آبادانی مملکت می‌شود (نوایی، ۱۳۷۰: ۱۳۴-۱۳۵). در زمان شاهرخ آرامش نسبی برقرار شد و نمایندگان سرزمین‌های دیگر به منظور برقراری رابطه‌ی دوستانه به درگاه شاهرخ می‌آمدند (خوافی، ۱۳۳۹: ۲۰۴/۳؛ روملو، ۱۳۸۴: ۲۲۳/۱؛ جعفری، ۱۳۹۳: ۹۰). این مسأله به رونق گرفتن تجارت کمک کرد. در سال ۸۱۵ هجری فرمانروای چین با اعزام سفیرایی درخواست کرد که تجارت بین دو سرزمین برقرار شود. شاهرخ نیز از این مسأله استقبال نمود (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۴۵۹/۱-۴۶۱ و ۴۶۸). فرمانروای چین دو بار دیگر با فرستادن سفیرایی تمایل خود به برقراری رابطه‌ی تجاری با تیموریان را اعلام کرد (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۶۶۵/۲-۶۶۶ و ۶۹۹). سلطان ابوسعید نیز برای تجارت اهمیت فراوان قائل بود. هرات در زمان او به مرکز تجاری بزرگی تبدیل شد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۹۸۱/۴؛ آکا، ۱۳۹۰: ۲۶۷). سیاست حمایت از تاجران و ایجاد بازارها در عهد سلطان حسین بایقرا نیز ادامه یافت (رحمتی و یوسفوند، ۱۳۹۲: ۸۸-۹۰).

بر پایه آنچه آمد، تجار و حکومت نیاز متقابل به یکدیگر داشتند. تجار می‌توانستند نیازهای حکومت را فراهم آورند و با پرداخت مالیات بخش عمده‌ای از درآمد حکومت را تأمین نمایند. از سوی دیگر حکومت نیز با برقراری امنیت و شرایط مساعد زمینه‌ی فعالیت هر چه بیشتر تاجران را فراهم می‌-

آورد. از اینرو می‌توان گفت که تاجران و حکومتگران تیموری می‌کوشیدند که رابطه دوستانه‌ای با هم داشته باشند. این مطلب از منابع تاریخی نیز به دست می‌آید. برای نمونه در مواردی تجار در هنگام نیاز به حاکمان کمک‌های مالی می‌کردند (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲/۲۵۷؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۶/۵۳۰۹-۵۳۱۱). شاهرخ حمایت از تاجران را وظیفه خود می‌دانست (مؤیدثابتی، ۱۳۴۶: ۳۶۵-۳۶۷). او حاکمان را به رعایت انصاف و عدالت در ارتباط با تاجران توصیه می‌نمود (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۳/۲۰۰). سنگین‌ترین مالیاتی که تجار پرداخت می‌کردند تمغا بود که پرداخت آن برای ایشان دشوار بود. سلطان ابوسعید در راستای تأمین منافع تاجران مالیات تمغا را لغو نمود (رحمتی، ۱۳۹۴: ۸۸).

۲-۳ پیشه‌وران

در فرهنگ اسلامی- ایرانی، اهل حرفه، پیشه‌وران و کسبه افرادی ارزشمند بودند. درآمد حاصل از کسب جزء حلال‌ترین مال‌ها به شمار می‌آمد و کار محترفه سزاوار ثواب اخروی بود (نجم رازی، ۱۳۸۹: ۵۴۱). دوانی در قرن نهم هجری، کسب را به سه دسته اصلی زراعت، تجارت و صنعت تقسیم می‌کند و صنعت را یکی از بهترین راه‌های کسب روزی می‌داند (دوانی، ۱۳۹۳: ۱۸۳-۱۸۴). امیر تیمور جامعه را به دوازده طبقه تقسیم کرده بود. یکی از آنها صنعتگران و پیشه‌وران بود (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۲۰۴-۲۱۴). کسبه و پیشه‌وران به عنوان نیروهای مولد جامعه‌ی شهری، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصاد شهری را بر عهده داشتند. محل فعالیت و تمرکز این افراد بازار بود. اینان به سبب تنوع و کثرت مشاغلشان بخش قابل توجهی از اهل بازار را تشکیل می‌دادند. در شهرهای دوره‌ی تیموری پیشه‌ها و حرف فراوان وجود داشت. سیفی بخارایی (م: ۹۰۹) در شهر آشوب مشهور خود تحت عنوان صنایع البدایع ۱۳۵ شغل و کسب رایج در زمان تیموریان را معرفی می‌کند (ر.ک: سیفی بخاری، ۱۳۶۶). تعداد فراوان این مشاغل اهمیت و اثرگذاری کسبه و پیشه‌وران در جامعه‌ی شهری عصر تیموریان را به خوبی نشان می‌دهد. صاحبان حرف و پیشه‌وران جزء اثرگذارترین گروه‌های عامه‌ی مردم بودند.

تیموریان با اعتنا و بهاء دادن به شهر و اقتصاد شهری زمینه‌ی پویایی پیشه‌وران را فراهم کردند. آنها به اهمیت و نقش بسیار مهم پیشه‌وران در رفع نیازهای حکومت و رونق دادن به وضعیت بازار و بالطبع افزایش دادن درآمدهای حکومت پی برده بودند. آنگونه که میرخواند ذکر می‌کند از مهارت پیشه‌وران حتی در میادین نبرد هم استفاده می‌شد (میرخواند، ۱۳۸۰: ۶/۵۵۹۸-۵۵۶۰۰). بدین ترتیب

اهمیت ایشان نزد تیموریان افزایش می‌یافت. در آن روزگار هنرمندان صنعتگر بودند و صنعتگران هنرمند (محمدحسن، ۱۳۷۷: ۲۶۴). ارج نهادن تیموریان به هنر، توجه و عنایت آنها به صنعتگران را افزایش می‌داد. امیرتیمور به دلیل اهمیت قائل شدن برای صنایع و پیشه‌وران گهگاه رفتار ملایمی با شهرها در پیش می‌گرفت (حسین‌پور، ۱۳۸۶: ۷۰). اهل حرف برای امیرتیمور آنقدر ارزش و اهمیت داشتند که در فتوحات خود آنها را از بین نمی‌برد. آنها را به عنوان غنیمی ارزشمند به سمرقند می‌فرستاد تا به وسیله آنها اقتصاد و فرهنگ این شهر را شکوفا کند. به سبب وجود این افراد انواع صنایع و پیشه‌ها در سمرقند با رونق فراوان توسعه یافت (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۹۰-۲۹۱؛ شامی، ۱۳۶۳: ۲۳۷؛ ابن عربشاه، ۱۳۷۳: ۱۵۷ و ۱۶۵؛ واله اصفهانی قزوینی، ۱۳۷۹: ۱۴۲ و ۱۵۴؛ یزدی، ۱۳۸۷: ۱۰۸۰/۲). پیشه‌وران آنچنان در نظر امیر تیمور مهم بودند که به سختی مراقبت می‌نمود مبادا آنها سمرقند را ترک کنند (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۰۸-۲۰۹). پیشه‌وران آنقدر مفید و ارزشمند به شمار می‌آمدند که گاهی اوقات امیرتیمور تعدادی از آنها را به امیرزادگان و حکام ولایات واگذار می‌نمود (شامی، ۱۳۶۳؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۴۹۰۵/۶). سرداران و کارگزاران امیرتیمور نیز در ارج نهادن به پیشه‌وران از وی الگوبرداری نمودند (ابن عربشاه، ۱۳۷۳: ۱۱۶). تیموریان پیشه‌وران، صنعتگران و هنرمندان سایر سرزمین‌ها را به طور وسیع به کار می‌گرفتند (واله اصفهانی قزوینی، ۱۳۷۹: ۲۵۹؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۱۱۴/۶). وجود این افراد در رونق و توسعه دادن به صنایع و حرف در قلمرو تیموریان بسیار اثرگذار بود و می‌توان آن را از دلایل شکوفایی صنایع و هنرها در عصر تیموریان به شمار آورد.

در میان جانشینان امیرتیمور، به خصوص شاهرخ، سلطان ابوسعید و سلطان حسین بایقرا به حمایت از صنایع ادامه دادند و به واسطه‌ی حمایت از پیشه‌وران و صنعتگران، صنایع شهری را احیا نمودند. گزارش‌های تاریخی از حضور گسترده‌ی صنعتگران در شهرهای مهم قلمرو تیموریان و توجه و عنایت امیران تیموری به آنها حکایت دارند. برای نمونه صنعتگران در هرات عهد ابوسعید بسیار فعال بودند و سلطان برای آنها ارج و احترام قائل بود (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۸۴/۴). شاهرخ حمایت از پیشه‌وران را به حکام گوشزد می‌نمود (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲۱۰/۳). سلطان حسین بایقرا در سال ۸۷۵ هجری پیشه‌وران را برای مدت دو سال از برخی مالیات‌ها معاف نمود (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۷۱۴/۷). فرمانروایان تیموری به وضعیت پیشه‌وران بی‌اعتنا نبودند. در مواردی آنها به حمایت از پیشه‌وران و کسبه برخاسته مانع تعدی و تعرض کارگزاران خود نسبت به ایشان می‌شدند (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۱۰۸/۴؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۰۹۰-۵۰۹۱؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۹۹۱/۲؛ روملو، ۱۳۸۴: ۶۰۶/۲). این رفتار نه تنها جایگاه و موقعیت پیشه‌وران در سطح جامعه را اعتلا می‌بخشید بلکه موجب رونق گرفتن هر چه بیشتر کار آنها

می‌شد. به این ترتیب اقتصاد شهری عصر تیموریان می‌توانست مسیر رو به بهبود و ترقی را طی کند. در نتیجه توجهات تیموریان بخش عمده‌ای از صنایع در شهرهای قلمرو تیموریان احیا شده، جایگاه معتبری به دست آوردند. رفتارها و سیاست‌های حمایتی فرمانروایان تیموری امیدواری و دلگرمی پیشه‌وران را به همراه داشت چنانکه در نتیجه‌ی حمایت‌های سلطان حسین بایقرا از این قشر، هرات و خراسان شاهد حضور انبوه پیشه‌وران شد (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۳/۱). این کثرت و کارایی پیشه‌وران اهمیت و اثرگذاری ایشان در حیات اجتماعی و اقتصادی شهرها را افزایش می‌داد. امیر تیمور، شاهرخ و سلطان حسین بایقرا به همراه بستگان و کارگزارانشان اقدامات عمرانی وسیعی را در سمرقند و هرات انجام دادند. این نوع اقدامات بدون مشارکت و نقش فعال پیشه‌وران و صنعتگران عملی نبود بنابراین نقش مهم و تأثیرگذار این افراد در زندگی شهری آن روزگار آشکار می‌شود. این مسأله از سوی دیگر نشان می‌دهد که تیموریان با اهداف و برنامه‌های عمرانی خود زمینه‌ی فعالیت هر چه بیشتر صنعتگران و پیشه‌وران و رشد و ترقی و اهمیت یافتن آن‌ها را فراهم آوردند.

پیشه‌وران کارکردهای اقتصادی و اجتماعی مهمی را بر عهده می‌گرفتند. آنها تولیدکننده کالا بودند و با تشکیل اصناف همبستگی گروهی را در میان خود رواج می‌دادند. شرکت در مراسم و جشن‌های عمومی یا حکومتی از فعالیت‌های اجتماعی پیشه‌وران بود. آنها در این نوع مراسم هنرها و ساخته‌های خود را به نمایش می‌گذاشتند (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۵۲-۲۵۳؛ خواندمیر، ۱۳۶۲: ۱۸۵/۴؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۱/ ۴۵۹؛ ابن عربشاه، ۱۳۷۳: ۲۱۹؛ نوایی، ۱۳۷۹: ۱۶۲؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۲۸۳/۶ و ۵۶۱۵ و ۷/ ۵۷۳۸؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۹۱۲/۴). کالاها وضعیت اقتصادی و صنعتی شهر را نشان می‌دادند. شکوفایی آنها بیانگر رونق زندگی اقتصادی و اجتماعی بود. حضور پیشه‌وران در جشن‌ها و مراسم حکومتی نشان می‌دهد که تیموریان برای این گروه اهمیت و اعتبار خاصی قائل بوده‌اند. اهمیت اجتماعی پیشه‌وران به گونه‌ای شده بود که معمولاً آنها در مراسم استقبال از حکام در کنار بزرگان شهر حضور می‌یافتند (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۰۶/۲). داده‌های تاریخی نشان می‌دهد که پیشه‌وران گهگاه در مسائل سیاسی شهر خود شرکت می‌کردند (جعفری، ۱۳۹۳: ۶۲). معمولاً پیشه‌وران هر صنف در محله‌های خاص خود گرد می‌آمدند (شفقی، ۱۳۹۵: ۶۷۲/۱). بدین ترتیب آنها در چگونگی توزیع جمعیت شهری نقش مؤثری داشتند و زمینه‌های انسجام بین اهالی محلات را فراهم می‌آوردند. پیشه‌وران در حفظ و اشاعه‌ی بسیاری از آداب و رسوم و اخلاق شهرنشینی نقش مؤثری داشتند (کیوانی، ۱۳۷۹: ۲۷۷/۹). پیشه‌وران به داشتن صفاتی همچون سعی، پشتکار، راستگویی، قناعت، نیکی و خدمت به خلق و پرهیز از حرص و آز توصیه می‌شدند (سمائی دستجردی، الهیاری و فروغی‌ابری،

۱۳۹۵: ۹۲). با این حال به نظر می‌رسد بعضی از پیشه‌وران و کسبه به منفعت‌طلبی و فریب مردم اقدام می‌کردند. جامی به این نکته اشاره دارد (جامی، ۱۳۷۵: ۶۶).

اصناف پدیده‌ای شهری بودند و شغل خاصی را در انحصار خود داشتند (الشیخلی، ۱۳۶۲: ۶۳-۶۴؛ فلور، ۱۳۶۵: ۱۱/۲ و ۳۱-۳۳). با احیا و رونق گرفتن اصناف بر اهمیت اجتماعی و اقتصادی پیشه‌وران در حیات اجتماعی شهرها افزوده شد. آنگونه که ابن بطوطه ذکر می‌کند اصناف به صورت سازمان یافته در قرن هشتم در بعضی از شهرهای ایران وجود داشت (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۲۱۲/۱). اقدام امیر تیمور در خصوص انتقال دادن پیشه‌وران به قلمرو خود در شکل دادن و احیاء سازمان اصناف در قلمرو تیموریان مؤثر بود. علاوه بر آن رونق کسب و کار پیشه‌وران در دوره تیموریان، در احیا و رونق دادن به اصناف بی‌تأثیر نبود. در زمان تیموریان اصطلاح جماعت به عنوان مترادفی برای واژه صنف به کار می‌رفت (کیوانی، ۱۳۹۲: ۵۱). پیشه‌وران معمولاً با گروه‌های تصوف و اهل فتوت در ارتباط بودند (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۲۱۲/۱؛ چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۵). آنها به این صورت اثرگذاری اجتماعی خود را افزایش می‌دادند. حکومت معمولاً از طریق محتسبان، اصناف و پیشه‌وران را تحت نظارت قرار می‌داد (کیوانی، ۱۳۷۹: ۲۷۶/۹؛ حبیبی، ۱۳۹۳: ۶۲). نظارت حکومت بر امور اصناف به معنای تقابل حکومت و اصناف نبود. حکومت از وجود اصناف سود می‌برد به همین دلیل از تشکیلات اصناف و پیشه‌وران حمایت می‌کرد (جباری، ۱۳۷۹: ۱۰۳). این حمایت در رونق گرفتن اصناف بی‌تأثیر نبود.

نظر به اینکه تولید و توزیع اصلی‌ترین کارکرد بازار و بازاریان بود بی‌مناسبت نیست که اشاره‌ای کوتاه به مهم‌ترین محصولات رایج در بازارهای شهرهای قلمرو تیموریان شود. چنانکه آمد، تولیدات در عصر تیموریان متنوع و متعدد بود. در این مختصر فقط به ذکر چند مورد از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود. در یزد پارچه‌های ابریشمی مرغوب تولید می‌شد و بازرگانان از نقاط مختلف برای خرید آنها می‌آمدند (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۱۱۰/۲). سمرقند و هرات در روزگار تیموریان مرکز بزرگ بافت پارچه‌های گران بها بود. پارچه‌بافان شامی و چینی در سمرقند زمان امیر تیمور به کار مشغول بودند (محمدحسن، ۱۳۷۷: ۱۹۹-۲۰۰). کلاویخو بافت انواع پارچه‌های ابریشمی در سمرقند را تأیید می‌کند (کلاویخو، ۱۳۷۷: ۲۹۰). اسفزاری نیز به وجود کارگاه‌های متعدد پارچه‌بافی در هرات اشاره دارد (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۲۷/۱). صنعت فرش و قالی بافی از صنایع پر رونق عهد تیموریان بود و قالی به مقدار فراوان در آن روزگار تولید می‌شد (ویلسن، بی‌تا: ۱۷۴). صنعت فلزکاری رونق خوبی داشت زیرا در ساخت سلاح و ابزار ابزار نظامی کاربرد داشت و به همین دلیل مورد حمایت فرمانروایان تیموری بود (محمدحسن، ۱۳۷۷:

۲۱۹-۲۲۱). واصفی در حکایات خود به وجود صنعت مسگری اشاره می‌کند (واصفی، ۱۳۴۹: ۷۹/۱). سفال‌سازی از دیگر صنایع شکوفا بود و نیشابور در تولید سفال مرکزی داشت (تاکستن، ۱۳۸۴: ۶۳-۶۸). صنعت چوب و درودگری از صنایع پر رونق و پر استفاده عصر تیموریان بود (سیفی بخاری، ۱۳۶۶: ۱۴). امیر تیمور جمعی از ماهرترین صنعتگران شیشه را در سمرقند گردآورد و این صنعت به دست آنها شکوفا شد (محمدحسن، ۱۳۷۷: ۲۳۰-۲۳۱). جامه‌بافی نیز از صنایعی بود که مردم به آن نیاز داشتند بنابراین جامه بافان از گروه‌های فعال بازار بودند (سیفی بخاری، ۱۳۶۶: ۱۷). وفور ابنیه‌سازی در دوره تیموریان بیانگر وجود صنعت حجاری در آن روزگار است. با توجه به وجود منابع سنگ‌ها و فلزات قیمتی در قلمرو تیموریان تولید زیورآلات از این مواد اولیه یکی از صنایع و تولیدات عصر تیموری بود. حافظ ابرو از وجود معادن فیروزه در طوس و طلا در غرجهستان سخن می‌گوید (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۲۴ و ۵۴). کالاهای و محصولات وارداتی نیز در بازارها به چشم می‌خورد. بازار سمرقند پر از کالاهایی بود که از مناطق دور دست همچون روسیه و چین آمده بودند. چرم و کتان از روسیه و دشت قپچاق و از چین ابریشم و پرنیان و از هند انواع ادویه وارد می‌شد (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۸۹-۲۹۲). البته بازارها صادرات هم داشتند از جمله آنها پارچه‌های ابریشمی، سنگ‌های قیمتی و زیورآلات بود (آکا، ۱۳۹۰: ۲۶۶).

بخشی از فعالیت بازاریان مرتبط با محصولات کشاورزی بود. محصولات کشاورزی برای بعضی از پیشه‌وران ماده‌ی اولیه تولیداتشان بود و عده‌ای دیگر از بازاریان به خرید و فروش محصولات کشاورزی می‌پرداختند. بنابر این محصولات کشاورزی نیز در حوزه‌ی عمل و فعالیت بخشی از بازاریان قرار می‌گرفت. رفتارها و سیاست‌های تیموریان در عرصه‌ی کشاورزی بر کسب و کار این بخش از بازاریان تأثیر می‌گذاشت. پرداختن به محصولات کشاورزی عصر تیموری از محدوده‌ی این پژوهش خارج است. بنابراین فقط به این نکته اشاره می‌شود که خراسان و ماوراءالنهر به عنوان قلمرو اصلی حکومت تیموریان از نظر محصولات باغی و کشاورزی غنی و پر تنوع بودند. منابع تاریخی این مسأله را تأیید می‌کنند (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۹۳/۱؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۱۱ و ۴۱). توصیف و تشریح جزئی میزان صادرات و واردات هر یک از اجناس و مبدأ و مقصد آنان در منابع مذکور چندان دقیق و روشن نیست بنابراین تصویری دقیق از وضعیت صادرات و واردات عصر تیموری ارائه نمی‌دهند.

نتیجه

تیموریان اهمیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی شهرها را به خوبی درک کرده بودند. بنابراین شهر، اقتصاد شهری و ارکان اصلی آن یعنی بازار و بازاریان را مطرح نظر قرار دادند. امیر تیمور و جانشینانش زمینه‌ای مناسب برای رشد و ترقی اقتصاد شهرهای مهم فراهم آوردند. آنها در راه آباد کردن و رشد دادن به مراکز حکومت خود تلاش کردند. در نتیجه شهرهای مهم قلمرو تیموریان به کانون‌های پررونق فعالیت‌های اقتصادی تبدیل شدند. وجود بازارهای پر رونق و جمعیت فراوان در شهرهای مهم قلمرو تیموریان نشان از تقویت و رونق اقتصاد شهری داشت. تیموریان با توجه و اعتنا نمودن به بازار و بازاریان زمینه‌ی این رشد را فراهم آوردند. بازار در شهرهای قلمرو تیموریان جایگاه و موقعیت قابل توجهی به دست آورد. اهمیت یافتن بازار، تقویت جایگاه و موقعیت بازاریان در سطح جامعه را به دنبال داشت. تیموریان با احداث و مرمت بازارها و سیاست‌ها و رفتارهای حمایتی خویش نظیر ایجاد امنیت، انباشت سرمایه و رفع مشکلات بازار، رشد و ترقی جایگاه بازار و بازاریان را امکان‌پذیر نمودند. در عین حال تیموریان بازاریان را یک بخش مهم اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌دانستند بنابراین معمولاً با آنها رابطه‌ی مناسبی برقرار می‌کردند. تیموریان با حمایت از تجارت، صنعت، هنر و زندگی شهری زمینه‌ی پویایی و فعالیت هر چه بیشتر بازاریان را فراهم آوردند. عنایت تیموریان به بازاریان به گونه‌ای بود که در مراکز حکومتی آنها جمع‌کثیری از بازاریان حضور یافته به فعالیت مشغول شدند. کارایی و اهمیت آنها موجب شد که تیموریان نسبت به وضعیتشان بی‌اعتنا نباشند و گهگاه با اقدامات و اصلاحاتی در رفع مشکلات آنها اقدام نمایند. از مهمترین عوامل بازسازی اقتصادی و رشد نظام شهری در هر جامعه شیوه‌ی برخورد حکومتگران با نیروهای اقتصادی جامعه است. با عنایت به احیای زندگی شهری در دوره تیموریان می‌توان استنباط کرد که تیموریان زمینه‌های مناسب جهت فعالیت اهل بازار را فراهم کرده بودند. تیموریان جایگاه و اعتبار مناسبی به بازاریان دادند و با حمایت‌های خود زمینه‌ی رونق گرفتن فعالیت‌های بازار یعنی، تجارت، خرید و فروش و تولید کالا را فراهم آوردند. به ویژه در نتیجه این حمایت‌ها، صنایع احیاء شده و بسیار رونق گرفتند.

منابع

- آکا، اسماعیل. (۱۳۹۰). تیموریان، ترجمه اکبر صبوری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن بطوطه. (۱۳۶۱). سفرنامه‌ی ابن بطوطه، ج ۱، چاپ سوم، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن عربشاه. (۱۳۷۳). زندگی شگفت‌آور تیمور، چاپ پنجم، ترجمه محمدعلی نجاتی، تهران: علمی و فرهنگی.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۹). موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره ی قاجاریه، چاپ چهارم، تهران: زمینه.
- اشرف، احمد و بنوعزیزی، علی. (۱۳۹۳). طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران، چاپ سوم، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.
- الشیخلی، صباح ابراهیم سعید. (۱۳۶۲). اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالم زاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- باربارو، جوزافا و دیگران. (۱۳۴۹). سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- بوا، لوسین. (۱۳۸۹). تاریخ تیموریان، چاپ دوم، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: آزادمهر.
- تاکستن و دیگران. (۱۳۸۴). تیموریان، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- توختی‌یف، عرفان. (۱۳۷۷). سیاست پولی- مالی تیمور و خاندان او و سکه‌های آنها، به کوشش بهمن اکبری، قم: کتابخانه‌ی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- جامی، عبدالرحمن. (۱۳۷۵). مثنوی هفت اورنگ، چاپ هفتم، تصحیح مرتضی مدرسی گیلانی، تهران: مهتاب.
- جباری، مینا. (۱۳۷۹). همیشه بازار، تهران: آگاه.
- جعفری، جعفرین محمدبن حسن. (۱۳۴۳). تاریخ یزد، چاپ سوم، به تصحیح ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- _____ . (۱۳۹۳). تاریخ جعفری یا تاریخ کبیر بخش تاریخ اولاد تیمور، به تصحیح عباس زریاب خوئی، به اهتمام نادر مطلبی کاشانی، قم: نشر مورخ.
- چهارده رساله در باب فتوت و اصناف. (۱۳۸۸). مقدمه و تصحیح مهران افشاری - مهدی مدائنی، چاپ سوم، تهران: نشر چشمه.
- حافظ ابرو. (۱۳۷۰). جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو، تصحیح غلام رضا ورهرام، تهران: اطلاعات.

- _____ . (۱۳۷۲). زبده التواریخ، ۲ جلد، مقدمه تصحیحات و تعلیقات سیدکمال حاج سیدجوادی، تهران: نشر نی و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____ . (۱۳۷۸). جغرافیای حافظ ابرو، ج ۲، تصحیح و تحقیق صادق سجادی، تهران، میراث مکتوب.
- حبیبی، محسن. (۱۳۹۳). از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر، چاپ چهاردهم، تهران: دانشگاه تهران.
- حسین پور، سیدعلی. (۱۳۸۶). «تاریخ اجتماعی شیعیان ایران در نیمه نخست قرن نهم هجری»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال چهارم، ش ۱۶، ص ۵۹-۸۲.
- حسینی تربتی، ابوطالب. (۱۳۴۲). تزوکات تیموری، تهران: کتاب فروشی اسدی.
- خوافی، فصیح احمد بن جلال الدین محمد. (۱۳۳۹). مجمل فصیحی، ج ۳، به تصحیح محمود فرخ، مشهد: باستان.
- خواندمیر. (۱۳۶۲). تاریخ حبیب السیر، ج ۴، چاپ سوم، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.
- _____ (۱۳۷۲). مآثرالملوک، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: رسا.
- دوانی، جلال الدین. (۱۳۹۳). اخلاق جلالی، چاپ دوم، به تصحیح عبدالله مسعودی آرانی، تهران: اطلاعات.
- رحمتی، محسن و یوسفوند، فاطمه. (۱۳۹۲). «سلطان حسین بایقرا و حیات اقتصادی خراسان»، تاریخ نامه‌ی ایران بعد از اسلام، سال چهارم، ش هفتم، ص ۷۹-۹۹.
- رحمتی، محسن. (۱۳۹۴). «اوضاع اقتصادی خراسان در عهد سلطان ابوسعید گورکان»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال چهارم، ش دوم، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: ص ۷۳-۹۲.
- رفیعی، امیرتیمور. (۱۳۸۶). «سیری در اوضاع اقتصادی خراسان بزرگ در عهد تیموری»، فصل‌نامه علمی پژوهشی تاریخ، سال دوم، ش ۶، دانشگاه محلات: ص ۶۱-۸۴.
- روملو، حسن بیگ. (۱۳۸۴). احسن التواریخ، ج ۱ و ۲، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: اساطیر.
- زمچی اسفزاری، معین الدین محمد. (۱۳۳۸). روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، ۲ جلد، به تصحیح سیدکاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.
- سلطان زاده، حسین. (۱۳۸۳). بازارهای ایرانی، چاپ سوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سمائی دستجردی، معصومه، الهیاری، فریدون و فروغی ابری، اصغر. (۱۳۹۵). «بررسی جایگاه اجتماعی هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان»، تاریخ اسلام و ایران، سال بیست و ششم، ش ۲۹، تهران: ص ۸۱-۱۰۶.
- سمرقندی، دولت‌شاه. (۱۳۸۲). تذکره الشعراء، به تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.

- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق. (۱۳۸۳). مطلع سعدین و مجمع بحرین، ج ۳ و ۴، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیفی‌بخاری. (۱۳۶۶). صنایع البدایع، به کوشش نجیب مایل هروی، چاپ شده در مجله رایزنی فرهنگی ایران، اسلام‌آباد، ش ۱۰.
- شامی، نظام الدین. (۱۳۶۳). ظفرنامه یا تاریخ فتوحات امیر تیمور گورکانی، به تصحیح پناهی سمنانی، تهران: بامداد.
- شجاع. (۲۵۳۵). انیس الناس، به تصحیح ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- شفقی، سیروس. (۱۳۹۵). درآمدی بر شناخت شهر اسلامی- ایرانی، ج ۱، اصفهان: سازمان فرهنگی- تفریحی شهرداری اصفهان.
- فرحناکی، شهرام. (۱۳۹۶). «وضعیت صنعت در خراسان و ماوراءالنهر در عهد تیموریان»، پژوهشنامه خراسان بزرگ، سال هشتم، ش ۲۷، ص ۶۷-۸۲.
- فرخی، یزدان. (۱۳۸۹). «پژوهشی درباره‌ی قیام مردم اصفهان در سال ۷۸۹ ه.ق»، پژوهش‌های تاریخی، دوره‌ی جدید، سال دوم، شماره‌ی ۷، ص ۱۱۷-۱۳۶.
- فلور، ویلم. (۱۳۶۵). جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- کاتب یزدی، احمدبن حسین بن علی. (۱۳۸۶). تاریخ جدید یزد، چاپ سوم، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- کلاویخو. (۱۳۳۷). سفرنامه‌ی کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کیانی، محمدیوسف. (۱۳۶۶). شهرهای ایران، ج ۲، تهران: جهاد دانشگاهی.
- کیوانی، مهدی. (۱۳۷۹). «اصناف»، در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ص ۲۷۱-۲۷۹.
- _____ . (۱۳۹۲). پیشه وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی، ترجمه یزدان فرخی، تهران: امیرکبیر.
- لمبتن، آن. (۱۳۹۲). تداوم و تحول در تاریخ میانه‌ی ایران، چاپ چهارم، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی.
- محمدحسن، زکی. (۱۳۷۷). هنر ایران، ترجمه محمدابراهیم اقلیدی، تهران: صدای معاصر.
- مستوفی بافقی، محمدمفید. (۱۳۴۲). جامع مفیدی، ج ۱، به کوشش ایرج افشار، تهران: کتاب فروشی اسدی.

مؤیدثابتی، علی. (۱۳۴۶). اسناد و نامه های تاریخی از اوایل دوره های اسلامی تا اواخر عهد شاه اسماعیل صفوی، تهران: طهوری.

میرخواند. (۱۳۸۰). تاریخ روضه الصفا، ج ۶ و ۷، به تصحیح و تحشیه جمشید کیان فر، تهران: اساطیر. نجم رازی، عبدالله بن محمد. (۱۳۸۹). مرصاد العباد، چاپ چهاردهم، به اهتمام محمدمامین ریاحی، تهران: علمی و فرهنگی.

نطنزی، معین الدین. (۱۳۸۳). منتخب التواریخ معینی، به اهتمام پروین استخری، تهران: اساطیر. نوایی، عبدالحسین. (۱۳۷۰). اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.

_____ . (۱۳۷۹). رجال کتاب حبیب السیر، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. نوین، حسین؛ معصومی نیارق، یاسمن. (۱۳۸۹). «بازتاب اوضاع اقتصادی در ادبیات دوره تیموری»، مجله تاریخ ادبیات، ش ۶۴، تهران: ۲۱۹-۲۴۲.

واعظ کاشفی سبزواری، مولانا حسین. (۱۳۵۰). فتوت نامه ی سلطانی، به اهتمام محمدجعفر محجوب، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

واصفی، زین الدین محمود. (۱۳۴۹). بدایع الوقایع، ج ۱، به کوشش الکساندر بلدروف، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

واله اصفهانی قزوینی، محمدیوسف. (۱۳۷۹). خلد برین؛ روضه های ششم و هفتم، مصحح میرهاشم محدث، تهران: میراث مکتوب.

وطن خواه، مصطفی. (۱۳۸۰). موانع تاریخی توسعه نیافتگی در ایران، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ویلسن، کریستی. (بی تا). تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار، تهران: انتشارات فرهنگسرا. یزدی، شرف الدین علی. (۱۳۸۷). ظفرنامه، ۲ جلد، به تصحیح سیدسعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوایی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی